



عکس: ایسنا

محرومیت از امکانات رفاهی موجب افزایش غرق شدگی در کانال های کشاورزی و رودخانه های خوزستان شده است

مردن به جای تفریح

از ابتدای امسال حداقل ۳ کودک به دلیل غرق شدن در کانال های کشاورزی خوزستان جان باخته اند

همه جای خوزستان می رود. آب شرب لوله کشی داریم ولی شور است، تلخ است. کیفیت آب نهر هم دارد تلخ و شور می شود، برای کشاورزی دیگر قابل استفاده نیست، بچه ها نمی توانند شنا کنند، از این آب بیماری پوستی گرفته اند، برادر خودم هم از این آب بیماری گرفته بود، ولی چون باز هم هیچ تفریحی ندارند، همانجا شنا می کنند و ماهی می گیرند.» این را صادق می گوید که چهار سال است برای تحصیل به ایلام رفته و اهل همین روستاست. او شنیده که چندوقت پیش دوباره این نهر جان یک نفر را گرفته است و می داند که بچه های روستا روز و شب شان را چطور می گذرانند: «فاضلاب بیشتر روستاها می ریزد داخل همین کانال های آب و الان که آب آنها آلوده می شود، از همین آب برای آبیاری زمین های کشاورزی هم استفاده می شود. اگر بگویم من تنها کسی ام که در تاریخ این روستا به دانشگاه آمده ام، دروغ نمی گویم. چون بچه ها در نهایت می روند دیپلم می گیرند. پسرعموی خودم کلاس چهارم ترک تحصیل کرد، یکی دیگر کلاس هشتم ترک تحصیل کرد. همه می روند کار می کنند. برای کار هم معمولاً برای شاگردی می روند پیش مکانیک های می روند دریا. دخترها هم تادیلم ادامه می دهند و بعد هم بیشتر ازدواج می کنند. از روستا هم خیلی مهاجرت می کنند به شهرهای دیگر و حتماً هر خانواده ای، چند آشنای مهاجر در شهرهای دیگر دارد.» صادق برای درس به ایلام رفته «اما حتماً به روستایم برمی گردم. بعد از جنگ که وضعیت روستا وخیم بود، اجداد ما به روستا برگشتند، ما هم برمی گردیم.»

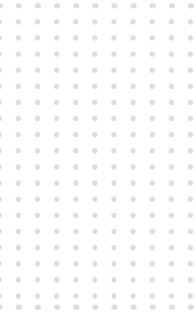
پژوهش های متعددی تا امروز انجام شده که توانسته ابعاد زیادی از محرومیت در خوزستان را روشن کند. نمونه آن، مطالعه ای است که در سال ۱۴۰۰ در این خصوص انجام شده و نشان می دهد اندازه فقر چندبعدی در سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۲۵ و ۲۸ درصد است که از متوسط کشوری بالاتر است و بیشترین محرومیت در استان به ترتیب در ابعال اشتغال، سلامت، مسکن، استانداردهای زندگی و آموزش است. علاوه بر این، طبق نتایج مطالعه حمیدرضا نوابپور و پریا ترابی کهلان به نام «مطالعه ای در فقر چندبعدی و سهم بعدها در استان های ایران»، علاوه بر استان های خوزستان و قم، شاخص فقر چندبعدی در استان های واقع در مرزهای شرقی بیشتر بوده است. از طرف دیگر، بنابر اطلاعات شاخص فلاکت که پاییز سال گذشته منتشر شد، استان های اردبیل، خوزستان، کرمان، کرمانشاه، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب بالاترین شاخص فلاکت را در پاییز ۱۴۰۳ تجربه کرده اند. این شاخص در خوزستان ۴۴/۱ بوده است. در شکل گیری این سطح، تورم و بیکاری هر دو فاعلانه اثر داشته اند.

وروستاهای اطراف سرازیر می شود و علیرضا، عادل و دوستان شان در همین نهرها شنا می کنند و گاهی پوست تن شان از این آب آلوده بیمار می شود. کشاورزهای روستا هم از همین آب برای زمین های کشاورزی شان استفاده می کنند و گاهی محصول شان را بابت همین آب آلوده از دست می دهند. روستا آسفالت ندارد و زمستان اگر باران بیارد، کوچه ها گل می شود و فرصت بازی در آن هم از دست می رود. «اگر باران بیاید همه روستا گل می شود. مدرسه مان هم در یک روستای دیگر است؛ در شنه نه مدرسه دخترانه داریم، نه پسرانه. «علیرضا دوست ندارد از روستایش به جای دیگری مهاجرت کند: «دیپلم که بگیرم دیگر درس نمی خوانم، می خواهم مکانیک شوم. پولش خوب است.»

شغل مردان روستا هم یا کشاورزی است یا کارگری در فضای سبز شهر خرمشهر: «آب شور است، برق نداریم، روزی دوبار قطع می شود و همیشه هم همین شکلی است، فرقی ندارد تابستان باشد یا پاییز. برای خوردن هم آب می خریم و بعضی هم تصفیه آب دارند. در روستا کشاورز هم داریم، با همین آب نهر محصولات شان را آب می دهند. فقط هم کشاورزند، درآمد دیگری ندارند.» کنار دست علیرضا عادل نشسته که کوچکتر از همه است، او هم به یاد می آورد که یک بار یکی از بچه های روستا را از داخل نهر بیرون کشیدند، ولی خودش نگران نیست که داخل آب غرق شود؛ چون «ما شنا بلدیم.» عادل کلاس ششم است و مثل بقیه دوستانش در مدرسه بیرون روستا درس می خواند؛ تنها مدرسه «شنه» از سال ها پیش قرار است بازسازی شود ولی هنوز تمام نشده و حالا همه بچه ها در «کوی بهروز» درس می خوانند: «تفریح نداریم، مدرسه نزدیک خانه نداریم، آب هم شور است، بعضی وقت ها مثل ژل از شیر بیرون می آید. اینجا فقط گاز خوب است، برق که هرروز دو بار می رود. عادل می گوید، همین ها باعث شده که در اینستاگرام صفحه راه بیاندازند: «اتفاقی ویدئو را درست کردیم، شاید ببینند و به وضعیت محله کمک کنند. مسئولان ببینند ما در چه وضعیتی زندگی می کنیم. ساختیم، ولی کسی پیگیر نشد.»

▼ کمبود نجات غریق

اطراف روستا ۱۳ نهر وجود دارد و نهر یازدهم از شنه رد می شود. از شهر تا روستا این نهرها به موازات هم ادامه دارند؛ از یل قدیم تا روستا. «ما همین دو کار را می توانیم در روستا انجام دهیم؛ ماهیگیری و شنا. آسفالت متعلق به زمان اجدادمان است. چه امکاناتی می خواهی داشته باشیم؟ برق اش هم که مرتب مثل

سارا سبزی
خبرنگار گروه جامعه

صادق هنوز از یاد نبرده است که سیدمجتبی، دوست نزدیکش، چطور ۱۰ سال پیش در نهر اطراف روستای شان، «شنه» غرق و شش ساعت بعد پیکرش پیدا شد. خانواده او که ۱۲ ساله بود، بعد از غرق شدنش تاب زندگی در روستا را نداشتند و برای همیشه آنجا را ترک کردند. سیدمجتبی اگر آن روز پنهانی برای گذراندن یک عصر کشتار مالال انگیز، با دوستانش به آن نهر نمی رفت، شاید امروز مثل صادق در شهر دیگری درس می خواند، بعد از دیپلم شغلی انتخاب می کرد و در همان روستا می ماند. شاید او به جای صادق، علیرضا، عادل و ایوب از روزهای بدون آب، آسفالت و برق روستا می گفت. نهرهای «شنه» هنوز هم تنها پناه روزهای کشتار و مالال آور تابستان است که کودکان هم از آن ماهی می گیرند، هم در آن شنا می کنند و گاهی هم در آن غرق می شوند؛ مثل سه کودکی که از ابتدای امسال در رودخانه ها و کانال های کشاورزی خوزستان غرق شده اند و این آمار احتمالاً تا آخر تابستان بیشتر هم می شود.

«شنه» میان جاده آبادان و خرمشهر نشسته، به هرکدام کمتر از ۳۰ دقیقه فاصله دارد و جمعیت اش کمتر از ۸۰۰ نفر است. اسم روستا از سال قبل با یک ویدئوی اینستاگرامی بالا آمد که عادل، علی، مبین و دوستان دیگرشان یک میکروفن کوچک دست شان گرفتند و رویه روی دوربین ایستادند که بگویند روستای شان نه آب دارد، نه برق و نه آسفالت. حتی آب همان نهر هم کم کم دارد آلوده می شود و شاید همین دلخوشی و تفریح کوچک صبح و عصرهای تابستان هم از آنها گرفته شود. بچه ها از شیرجه ها و شناشان در «نهر یازدهم» چند ویدئو گرفته اند و منتشر کرده اند کنار تصویرهای دیگری از روستا گذاشته اند. مثل همان فیلمی که علیرضا با این جمله شروع می کند: «سلام. به بی صاحب ترین روستا خوش آمدید.» حالا او پشت تلفن همین حرف ها را دوباره تکرار می کند، این بار بیشتر از «شنه» می گوید؛ از خودشان که دوست دارند زمین فوتبال و پارک برای تفریح داشته باشند، چون «هیچ امکاناتی غیر از شنا کردن در آب نهر و ماهیگیری نداریم که آن هم فقط در تابستان می شود انجام داد. آب نهر هم که کثیف است. یک بار هم همین چندوقت پیش یکی از بچه ها افتاد داخل نهر و کمک کردیم بیرون بیاید. دوست داریم آب بیاید، برق بیاید و آب کثیف را تمیز کنند.» آب کثیف، همان فاضلابی است که داخل نهرهای «شنه»



ساعت امتحانات نهایی تغییر نکرد

رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش اعلام کرد که زمان شروع فرآیند آزمون های نهایی پایه های یازدهم و دوازدهم و آزمون های هماهنگ کشوری پایه نهم ساعت ۷ صبح است. به گزارش ایسنا، محسن زارعی با بیان اینکه جدول زمان بندی آزمون های خردادماه ۱۴۰۴ برای پایه های نهم، یازدهم و دوازدهم پیش از این منتشر شده و تغییری نمی کند، تأکید کرد: «این آزمون ها طبق برنامه اعلامی برگزار می شوند. علاوه بر این برنامه زمانی برگزاری آزمون های نهایی پایه های یازدهم و دوازدهم روزانه، بزرگسال، آموزش از راه دور، ایتارگران و داوطلبان آزاد رشته های شاخه نظری، دوره دوم آموزش متوسطه و متقاضیان ایجاد یا ترمیم سابقه تحصیلی شاخه های نظری، فنی و حرفه ای و کار دانش و آزمون های هماهنگ کشوری پایه نهم، در نوبت خردادماه سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳، به انضمام نکات قابل توجه در تمهید مقدمات برگزاری آزمون ها در قالب بخشنامه به ادارات کل آموزش و پرورش استان ها ارسال شده و در پایگاه اطلاع رسانی مرکز ارزشیابی قابل دسترسی است.»



کاهش ۳ درصدی تلفات تصادفات

طبق اعلام وزارت بهداشت، آنطور که آمارهای سازمان پزشکی قانونی نشان می دهد، میزان تصادف در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال پیش از آن حدود سه درصد کاهش داشته است. به گزارش ایسنا، بنابر اعلام وزارت بهداشت، طبق آمارهای سازمان پزشکی قانونی که متولی اعلام آمارهای فوتی تصادفات در کشور است، سال گذشته در این حوادث ۱۹۴۳۵ نفر جان خود را از دست داده اند و در مقایسه با سال ۱۴۰۲ که متوفیات این حوادث ۲۰۰۴۵ نفر بود، ۶۱۰ نفر کمتر جان باخته اند؛ به عبارت دیگر ۳/۱ درصد کاهش متوفیات در سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۲. سال گذشته براساس آمارها، استان های فارس با ۱۵۶۰ نفر، تهران با ۱۴۳۹ نفر، خراسان رضوی با ۱۳۳۵ نفر، کرمان با ۱۳۱۱ نفر، سیستان و بلوچستان با ۱۲۸۰ نفر، خوزستان با ۱۲۱۰ نفر و اصفهان با ۱۱۸۶ نفر، مرگ بارترین استان ها در تصادفات بوده اند که مرگومیر آنها بیش از ۱۰۰۰ نفر بوده است. به بیان دیگر، ۹۳۲۱ نفر و حدود ۴۸ درصد از فوتی های تصادفات سال گذشته در کشور مربوط به این هفت استان بوده است.



آلودگی دریا با انفجار بندر شهید رجایی

مدیرکل دفتر حفاظت از زیست بوم های دریایی سازمان حفاظت محیط زیست اعلام کرد که دودهای ناشی از احتراق بندر شهید رجایی، باعث آلودگی سطح آب خلیج فارس شده است. به گزارش ایسنا، شهرام فدakar توضیح داد: «هر چند با مسدود کردن کانال های ورودی به دریا تا حدود زیادی از ورود پساب های ناشی از احتراق به دریا جلوگیری شد، اما این امر صددرصد نبوده است. از سوی دیگر، گازها و دودهای ناشی از احتراق به طور قطع از سطح آب نفوذ کرده و محیط زیست دریایی را تحت تأثیر قرار داده است.» به گفته او، آب های ساحلی منطقه غربی بندرعباس به دلیل فعالیت پالایشگاه های مهم، توان زیست محیطی خود را از دست داده اند که حادثه بندر شهید رجایی نیز وضعیت منطقه را به لحاظ محیط زیستی بحرانی تر کرده است.